

مولوی در سال
۱۳۶۵ همراه با
شهید دکتر سید
محمد علی شاه
موسوی گردیزی
و تنی چند از دیگر
رهبران جهادی
به جماران آمدند
و امام رازیارت
کردند. زیارتی که
نصرالله منصور تا
آخر عمر از آن به
عنوان یک نقطه
عطف در حیات
خود یاد می کرد



موجودیت کرد. این حزب در ابتدا از ائتلاف سه گروه حزب اسلامی به رهبری حکمتیار، جمعیت اسلامی به رهبری مرحوم برهان الدین ربانی و خدام الفرقان به رهبری مرحوم مولوی نصرالله منصور، به ریاست آقای مولوی محمدی به وجود آمد، اما پس از شش ماه حزب اسلامی و جمعیت اسلامی از این ائتلاف خارج شدند و محمدی به کار خود ادامه داد. در سال ۱۳۶۰، مولوی منصور و مولوی رفیع الله مؤذن هم از آقای محمد نبی محمدی انشعباب کردند (احتمالاً تاکتیکی) و هر دو جداگانه تحت همان عنوان حرکت انقلاب اسلامی افغانستان، به فعالیتشان تا زمان سقوط رژیم کمونیستی ادامه دادند، اما دولت پاکستان آنها را به عنوان گروه‌های مستقل به رسمیت نشناخت، گرچه دفاتر اصلیشان در پیشاور قرار داشت. مولوی نصرالله منصور، در تاریخ ۱۳۷۱/۲/۱۴، پس از تشکیل دولت مجاهدین دوباره به مولوی محمدی و حرکت انقلاب اسلامی او پیوست و در زمان آقای ربانی، به مقام ولایت پکتیا گماشته شد، تا اینکه در مورخه ۲۰/۱۱/۱۳۷۱، در اثر انفجار بمبی در مسیر ارگون به گردیز - احتمالاً در یک عملیات تروریستی - به قتل رسید. حرکت انقلاب اسلامی، یکی از گروه‌های عمده جهادی و عضو اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان، مشهور به اتحاد هفتگانه بود که در میان مردم جنوب و شرق کشور از پایگاه اجتماعی خوبی برخوردار بود.

نصرالله منصور و امام خمینی (ره)

اولین جرقه‌های قیام گسترده اسلامی در افغانستان چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران خورده شد و از همان ابتدا شیعه و سنی هر دو به امام و انقلاب عشق می‌ورزیدند، حتی در میان اهل سنت قندهار و هرات و... شعارهایی مانند «مذهب من حنفی است، رهبر من خمینی است» سرداده داده شد و لرزه به تن حزب حاکم انداخت. در قیام ۲۴ حوت (اسفند) هرات یعنی یک ماه پس از پیروزی